رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۴، شماره پیاپی ۷۳، تیر ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(4), 2022

بررسی راهبردهای اثربخش نوجوانان در برخورد با سوگ ناشی از طلاق والدین

Investigating the effective strategies of adolescents in dealing with grief caused by parental divorce

دکتر معصومه اسمعیلی
استاد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
جیران طاهری چمعالی (نویسنده مسئول)
دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
فاطمه قاسمی نیائی
دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
مجتبی حقانی زمیدانی
دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Dr.Masomeh Esmaeli
Professor, Department Of Counseling, Faculty Of Psychology And Education, University Of Allameh Tabataba'ie, Tehran, Iran.
Jeyran Taheri Chamali*
Master Student, Department Of Counseling, Faculty Of Psychology And Education, University Of Allameh Tabataba'ie, Tehran, Iran.
jeyran.taheri92@gmail.com
Fatemeh Ghasemi Niae
Phd Student, Department Of Counseling, Faculty Of Psychology And Education, University Of Allameh Tabataba'ie, Tehran, Iran.
Mojtaba Haghani Zemeydani
Phd Student, Department Of Counseling, Faculty Of Psychology And Education, University Of Allameh Tabataba'ie, Tehran, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی راهبردهای اثربخش نوجوانان در برخورد با سوگ ناشی از طلاق والدین صورت گرفت. این تحقیق مبتنی بر رویکرد کیفی بوده و با استفاده از طرح پدیدارشناسی به توصیف عمیق موضوع پرداخته است. شرکت کنندگان در این پژوهش ۱۲ نفر از دانش آموزان نوجوان بازه‌ی سنی ۱۸-۱۴ در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ متعلق به استان‌های تهران، اصفهان و لرستان بودند که به شیوه گلوله برفی انتخاب شدند و نمونه‌گیری مبتنی بر اصل اشباع انجام شد. داده‌ها در طول مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع آوری و با استفاده از روش کلایزی تحلیل شدند. در نهایت پس از تحلیل داده‌ها، ۵ مقوله اصلی تحت عنوان پدیده مرکزی سوگ، عوامل علی در سازگاری، پیامدهای سوگ، عوامل میانجی‌گر سازگارانه و راهبردهای موثر در سازگاری و ۱۴ مقوله فرعی نتیجه شد که در متن پژوهش به تفضیل به هر یک پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: *راهبردهای اثربخش نوجوانان ، سوگ، طلاق، والدین*

Abstract

The aim of this study was to investigate the effective strategies of adolescents in dealing with grief caused by parental divorce. This research is based on a qualitative approach and has described the subject in depth using a phenomenological design. Participants in this study were 12 adolescent students aged 14-18 in the academic year 1399-1400 belonging to the provinces of Tehran, Isfahan, and Lorestan who were selected by the snowball method, and sampling was done based on the principle of saturation. Data were collected during semi-structured interviews and analyzed using the Colaizzi method. Finally, after analyzing the data, 5 main categories such as the central phenomenon of grief, causal factors in adjustment, grief consequences, adaptive mediators, and effective strategies in adjustment, and 14 sub-categories were concluded, which are discussed in detail in the research text.

Keywords: *Effective Strategies of Adolescents, Grief, Divorce, Parents.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مهر ۱۴۰۰** **پذیرش: آذر ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: تیر ۱۴۰۱**

مقدمه

خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با کل جامعه می‌باشد، لذا در فرهنگ ایران عامل کمال‌بخشی، آرامش و بالندگی فرزندان است و مهم‌ترین عامل فروپاشی این نهاد ارزشمند متارکه یا طلاق

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

می‌باشد (عزیزی، ۱۴۰۰). طلاق به پایان یک ازدواج قانونی که خود نیز به شکل قانونی انجام می‌شود اشاره دارد (پارکر و همکاران[1]، ۲۰۲۱)، فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در حل تعارضات زناشویی، از طریق جدایی و ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (کرسپین و هوت[2]، ۲۰۲۱).

امروزه گسترش آمار طلاق و ازدواج‌های شکست خورده در جامعه‌ی مدرن، پدیده‌ای اجتماعی با نسبت جهانی محسوب می‌شود، چنانکه آخرین آمارها نشان می‌دهد حدود یک سوم از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد (محمودپور،۱۳۹۹). باید توجه داشت که طلاق پایان ماجرا نیست. پس از طلاق، خواه ناخواه و آگاهانه یا ناآگاهانه، جوانب و ابعاد مختلف زندگی اعضای خانواده تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. تجربه طلاق، سازگاری افراد را در تمام ابعاد (روان‌شناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانوده پس از طلاق می‌گردد (بهبهانی و ذوالفقاری، ۱۴۰۰). تحقیقات در ایران و دیگر کشورها بیانگر این است که اعضای خانواده پس از طلاق دچار علائم بسیار زیادی چون افسردگی، احساس ناامیدی، یأس و عدم مسئولیت‌پذیری، ضعف روانی و تمایل به سرزنش خود می‌شوند که این علائم در حالات شدید می‌تواند به‌عنوان یک بیماری روانی همچون افسردگی شدید، حالات هیستریک، هیپوکندریا و حتی پارانوئید باعث از هم‌گسیختگی این قبیل افراد شود (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰). تأثیر طلاق بر فرزندان بسیار پیچیده است، فرزندان تک والد، ناخواسته درگیر تضادهایی می‌گردند که نه توان درک آن را دارند و نه تاب کنار آمدن با آن‌ها را فرزندان حاصل از چنین ازدواج‌هایی علاوه بر اینکه نیازهایی ویژه دارند در معرض آسیب‌های روانی اجتماعی زیادی قرار می‌گیرند (حسن کمالی، ۱۴۰۰).

یکی از مهم‌ترین تأثیرات طلاق، احساس سوگی است که اعضای خانواده در پس طلاق تجربه می‌کنند. سوگ واکنش طبیعی است همراه با اندوه شدید که در نتیجه عوامل زیر به وقوع می‌پیوندد: فقدان فردی که به لحاظ عاطفی به او وابستگی وجود دارد، فقدان بخشی از خود، فقدان اشیاء مادی، پایان مرحله‌ای از چرخه زندگی، رویدادی نظیر طلاق یا جدایی، فقدان عضوی از بدن یا یکی از حواس مثل کوری یا کری، از دست دادن شغل (وان وینکل و لئوپولد[3]، ۲۰۲۱) و فقدان‌های تجربه‌شده توسط قربانیان خشونت (رضایی، ۱۴۰۰). افراد در گروه‌های سنی متفاوت به گونه‌ای منحصر به خود به تجربه فقدان واکنش نشان می‌دهند و راهبردهای متفاوتی اتخاذ می‌کنند. یکی از گروه‌های سنی که سوگ حاصل از جدایی والدین می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر آن‌ها داشته باشد فرزندانی هستند که در سنین نوجوانی به سر می‌برند. دوره‌ی نوجوانی نقطه‌ی گذار مهمی در چرخه زندگی است، زیرا هنوز فرد به ثباتی در هویت و من کیستم دست پیدا نکرده است و بحران‌های شدید نظیر طلاق والدین می‌تواند به سرگشتگی آن‌ها دامن زند (نوری و طهماسبی، ۱۳۹۹).

دوران نوجوانی مرحله‌ای از چرخه زندگی فردی است که در آن نوجوان تغییرات و تحولات همه‌جانبه جسمانی، شناختی، اخلاقی، رفتاری و غیره را تجربه می‌کند. یکی از عناصر اساسی مؤثر برای گذراندن این دوره و کسب ویژگی‌های مطلوب حاصل از این تحولات خانواده است (هاشمی، ۱۳۹۹). به دنبال طلاق و از هم‌گسیختگی شبکه اجتماعی خانواده، این احساس در نوجوان ایجاد می‌شود که مورد پذیرش، حمایت و احترام نیستند. لذا این مسائل می‌تواند زمینه را برای مشکلات عاطفی و رفتاری فراهم سازد. بدون شک در فرهنگ ایران، سست شدن بنیان خانواده، طلاق، فقدان مادر یا پدر عوارض جبران‌ناپذیری را برجای خواهد گذاشت، که اثرات آن‌ها در دوران‌های بعدی زندگی قابل‌مشاهده و بررسی است. در این دوران طبیعت نوجوان ناگزیر از مدارا با استرس‌های اضافی است، حال اگر با فشارهای دیگری چون مرگ والدین یا طلاق والدین روبه‌رو شود زمینه برای بروز بحران و مشکلات روانی فراهم خواهد شد که نتیجه آن گاهی از دست رفتن فرزند است (صالحی و سعدآبادی، ۱۴۰۰).

از این‌رو تجربه طلاق به منزله تهدیدی برای نیازهای اساسی به شمار می‌رود و منجر به کاهش میزان سازگاری می‌شود (گاردنر و همکاران[4]، ۲۰۲۱). لازم به ذکر است که تمام نوجوان‌ها که گروه سنی پرخطری را تجربه می‌کنند به یک میزان و به یک شکل به بحران طلاق پاسخ نمی‌دهند. در این میان نوجوان‌هایی هستند که به‌طور موفقیت‌آمیزی با این تجربه سازگار شده و از آن به‌عنوان نقطه‌ی عطفی در زندگی خود به جهت رشد و پیشرفت یاد می‌کنند و از سوی دیگر نوجوان‌هایی هستند که نمی‌توانند با این تغییر سازگار شوند و با عواقب طاقت‌فرسای آن پیوسته دست و پنجه نرم می‌کنند و در نتیجه دچار مسائل و مشکلات زیادی در این زمینه می‌شوند (اونارهیم و

1. Parker
2. Crespin & Hotte
3. Van Winkle & Leopold
4. Gardner et al.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

همکاران[1]، ۲۰۱۸)، نداشتن عملکرد موفقیت‌آمیز در تعاملات اجتماعی، پرخاشگری و خشونت تکانشی، احساس شرمندگی و گناه نتیجه‌ی تنظیم ناکافی پاسخ‌های هیجانی است (لان[2]، ۲۰۲۱).

فراشاه و قیطرانی (۱۳۹۶)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میزان گرایش به خودکشی و آسیب‌پذیری اجتماعی نسبت به سوءمصرف مواد مخدر در نوجوانان خانواده‌های طلاق بیشتر از غیر طلاق می‌باشد. عیوض خانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود در مورد تجربه نوجوانان از طلاق والدین دریافتند که با وجود عوامل استرس‌زای فراوان، اکثر فرزندان در برابر طلاق والدین تاب‌آوری و مقاومت نشان می‌دهند یعنی از مشکلات روانی جدی و طولانی رنج نمی‌برند، اما در این میان خودمختاری بیش از حد، افزایش مسئولیت به‌ویژه مراقبت از نیازهای عاطفی والدین، آشفتگی‌های عاطفی خود فرد در روابط صمیمانه با جنس مخالف در آینده، از جمله نگرانی‌هایی بود که نوجوانان گزارش کردند. محمدی منش و بخش سورشجانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود در زمینه‌ی هویت‌خواهی نوجوانان دریافت که بین رشد اخلاقی و کسب هویت منسجم همبستگی معناداری وجود دارد، هویت منسجم عاملی است که از آشفتگی ذهنی نوجوان جلوگیری کرده و او را در برخورد با چالش‌های زندگی یاری می‌دهد. گرجین‌پور، علی‌پور و عبدی (۱۳۹۹) ضمن پژوهش خود دریافتند که شفقت و افزایش تعاملات بین فردی با حرمت به خود، افزایش کنش پذیری و انعطاف پذیری نوجوانان و به تبع کنارآمدن آسان آن‌ها با طلاق والدین مرتبط است. اسماعیلی، قاضی ولویی و جمالی (۱۳۹۷) نیز، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که برخورداری از معنویات، با گذر موفقیت آمیز نوجوانان از سوگ ناشی از طلاق والدین مرتبط است. پژوهش قبادی و شهبازی (۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهد آموزش مثبت‌نگری با کاهش میانگین نمرات افسردگی و اضطراب دانش‌آموزان رابطه مستقیم داشته و منجر به مدیریت مؤثر هیجانات منفی می‌شود.

در بین پژوهش‌های خارجی نیز در زمینه ارتباط با خانواده گسترده، شوارتز و تامسون[3] (۲۰۱۷) در پژوهش خود درمورد چگونگی رابطه فرزندان پس از طلاق والدین با مادربزرگ‌هایشان دریافتند که در خانواده‌های سالم پس از طلاق نیز رابطه‌ی مناسبی با مادربزرگ والد غیرحضانتی بر قرار بود در حالی که در خانواده‌های ناکارآمد فقدان رابطه صمیمانه با پدربزرگ و مادربزرگ غیر حضانتی گزارش شد. سورک[4](۲۰۲۰) نشان داد نوجوانانی که از حمایت خانوادگی خوبی بهره‌مند بودند در موقعیت‌های استرس‌زا همچون طلاق والدین از شیوه‌های مقابله‌ای ناسازگارانه مانند (سوءمصرف مواد، الکل و سیگار) کمتر استفاده می‌کردند. بستیتز و همکاران[5] (۲۰۱۸) معتقدند که پسران از شیوه‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار و دختران از شیوه مقابله هیجان‌مدار استفاده می‌کنند، شیوه‌های مقابله ثمربخش از هویت منسجم نوجوان سرچشمه می‌گیرد. در نهایت سورک (۲۰۱۹) در مطالعه‌ی خود دریافت درک نوجوانان از طلاق می‌تواند مثبت یا منفی باشد، ترس از مورد تمسخر واقع شدن از جانب همسالان یا مقصر دانسته‌شدن در طلاق والدین، از جمله عوامل منفی در ادراکات این گروه سنی بود. که به تبع کیفیت زندگی آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

نتایج تحقیقات اخیر حاکی از آن است که نرخ طلاق نسبت به دهه‌های گذشته به طرز بی‌سابقه‌ای در حال رشد می‌باشد، از هم گسستگی این بنیاد مهم اثرات اجتناب‌ناپذیری برای هر یک از اعضای خانواده به دنبال دارد. در این میان فرزندان به عنوان ضعیف‌ترین و اصلی‌ترین قربانیان با بحران‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند که این موضوع در مورد نوجوانان به دلیل اقتضای سنی و سرگشتگی‌های ذاتی دوره‌ی نوجوانی دو چندان می‌شود و آنان را درصدد آسیب‌پذیری و نوسانات روحی بیشتری می‌کند، لذا هدف از این پژوهش شناخت چگونگی کنار آمدن با سوگ ناشی از طلاق والدین است تا با شناخت کامل نسبت به ابعاد مختلف این پدیده بتوانیم زمینه ساز تحقیقات آتی و در نتیجه بسترسازی برای تحقیقات کاربردی باشیم تا بتوان اقدام عملی در این زمینه صورت گیرد.

روش

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی صورت گرفت. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد. نمونه شامل دانش‌آموزان نوجوان سنین ۱۸-۱۴ سال متعلق به استان‌های تهران، اصفهان و لرستان بود که مورد مصاحبه قرار گرفتند. حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نهایتا به ۱۲ رسید. زیرا با ۱۰ شرکت کننده به اشباع نظری رسیدیم، سپس برای اطمینان از اینکه داده های

1. Onarheim et al.
2. Lan
3. Schwartz & Thomson
4. Sorek
5. Bastaits et al.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

جدیدی وجود ندارد با ۲ شرکت کننده دیگر مصاحبه کردیم. از ملاک‌های ورود افراد به این پژوهش این بود که: ۱) افراد در بازه‌ی سنی نوجوانی باشند؛ ۲) از طلاق والدین حداقل یک سال گذشته باشد. ۳) عدم ابتلا به اختلالات روان پزشکی؛ ۴)عدم اعتیاد والدین؛ و ۵) والدین سابقه ازدواج مجدد نداشته باشند. پیش از مصاحبه ابتدا معرفی و برقراری ارتباط صورت می‌گرفت و با معرفی طرح پژوهشی، برای شرکت در طرح از آن‌ها دعوت به عمل می‌آمد و جنبه‌های اخلاقی موضوع ازجمله محرمانه بودن اظهارات، عدم افشای هویت ایشان، عدم مداخله در امور شخصی و خانوادگی آن‌ها و ... مورد تأکید قرار می‌گرفت. در نهایت چنانچه هریک از افراد برای شرکت در طرح موافقت خود را اعلام می‌کرد، قرار مصاحبه در زمان مورد توافق طرفین گذاشته می‌شد. داده‌ها با استفاده از روش کلایزی تحلیل شد. در روش کلایزی هفت گام برای رسیدن به هدف طی می‌شود. در مرحله اول کلایزی، در پایان هر مصاحبه، ابتدا بیانات ضبط شده شرکت کنندگان مکرراً گوش داده می‌شود و اظهاراتشان، کلمه به کلمه ثبت می‌شود و جهت درک احساس و تجارب شرکت‌کنندگان چند بار مطالعه می‌شود و در مرحله دوم، زیر اطلاعات بامعنی، بیانات مرتبط با پدیده موردبحث، خط کشیده می‌شود و به این طریق جملات مهم مشخص می‌شوند. در مرحله سوم بعد از مشخص کردن عبارات مهم هر مصاحبه، سعی می‌شود از هر عبارت یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد بود استخراج شود. بعد از استخراج کدها، مفاهیم تدوین شده به‌دقت مطالعه می‌شود و بر اساس تشابه مفاهیم آن‌ها دسته‌بندی می‌شود. بدین روش، دسته‌های موضوعی از مفاهیم تدوین شده تشکیل می‌شود. در مرحله پنجم نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند می‌یابند و دسته‌های کلی‌تری را به وجود می‌آورند. در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه ارائه می‌شود. مرحله پایانی اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسش درباره یافته‌ها انجام می‌شود. برای اعتباربخشی به یافته‌ها پس از تحلیل و کدگذاری به مشارکت کنندگان مجدداً مراجعه شد و درباره یافته‌ها از آنها سؤالاتی پرسیده شد تا اطمینان لازم حاصل شود.

ابزار سنجش

جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته بود، سوالات پرسشنامه از طریق مشورت با اساتید گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی (ره) که در این زمینه متخصص بودند و همچنین با توجه به اینکه روش کار توصیفی است و از اطلاعات پژوهشگر اثرپذیر است به دلیل مطالعه ادبیات پژوهشی پیش از انجام این پژوهش و همچنین کار با نوجوانان، ابعادی مد نظرمان بود که این ابعاد را در قالب سوال طراحی کردیم.برای مصاحبه ضمن شناسایی افراد واجد شرایط یک پیام متنی که حاوی معرفی خود، هدف پژوهش و مباحث رازداری بود برای افراد ارسال شد. سپس در صورت موافقت فرد برای شرکت در مصاحبه زمانی به‌صورت توافقی برای انجام مصاحبه تعیین می‌شد. طول مدت مصاحبه ها از ۴۰ تا ۶۰ دقیقه متفاوت بود اما به طور متوسط ۳۰ دقیقه بود . انجام مصاحبه با توجه به اپیدمی بیماری کووید-۱۹ و به منظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی در فضای مجازی و در بستر نرم‌افزار شاد صورت گرفت. بنا به ترجیح مشارکت کنندگان به‌صورت متنی و یا با ارسال صدا انجام شد به صورتی که ابتدا مصاحبه گر بعد از توضیحات لازم سؤال اول را از مشارکت کننده پرسید و سپس مشارکت کننده پاسخ موردنظرش را ارائه کرد و همین روال ادامه داشت تا زمانی که مصاحبه به اتمام رسید. پس از هر مصاحبه، محقق به دست‌نویس کردن مطالب ذکر شده پرداخته و این فرآیند پیاده‌سازی را برای تک‌تک مصاحبه‌ها انجام داد تا زمانی‌که اشباع اطلاعاتی حاصل شد، سپس پژوهشگر یک فایل از پاسخ مصاحبه شوندگان آماده کرد و برای ۳ نفر از متخصصین این زمینه ارسال نمود و این افراد کدگذاری را انجام دادند تا از دخالت نظر شخصی پژوهشگر جلوگیری شود. در نهایت کد گذاران به صورت کیفی، به نسبت دانش و تجربه‌ای که در این زمینه داشتند درمورد کدهای استخراج شده توافق داشتند سپس برای تطابق یافته ها با نظر مصاحبه‌شوندگان نتایج در اختیارشان قرار گرفت و آن‌ها نیز تأیید کردند که این عوامل مبتنی بر تجارب زیسته شان بوده است.

یافته ها

شرکت کنندگان پژوهش از ۱۲ نفر از نوجوانان شامل ۶ دختر و ۶ پسر با میانگین سنی ۱۵/۹که از سلامت روان برخوردار بوده و سابقه اختلالات روان پزشکی نداشتند، والدین به طور میانگین دارای سطح تحصیلات لیسانس بوده و سابقه ازدواج مجدد نداشتند، نوجوانان نیز به طور میانگین ۱ خواهر یا برادر داشتند، تشکیل شد. یافته‌های پژوهش در ذیل ۵ مقوله اصلی تحت پدیده مرکزی سوگ، عوامل علی در سازگاری، پیامدهای سوگ، عوامل میانجی‌گر سازگارانه و راهبردهای موثر در سازگاری دسته بندی شد که در جدول ۱ به آن‌ها اشاره شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

جدول ۱) اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	سابقه اختلال روان پزشکی	سطح تحصیلات والدین	سابقه ازدواج مجدد والدین	تعداد خواهر یا برادر
۱	دختر	۱۴	ندارد	لیسانس	ندارد	۱
۲	دختر	۱۴	ندارد	لیسانس	ندارد	۰
۳	دختر	۱۶	ندارد	دیپلم	ندارد	۲
۴	دختر	۱۵	ندارد	فوق لیسانس	ندارد	۰
۵	دختر	۱۸	ندارد	لیسانس	ندارد	۱
۶	دختر	۱۶	ندارد	دیپلم	ندارد	۱
۷	پسر	۱۸	ندارد	لیسانس	ندارد	۰
۸	پسر	۱۸	ندارد	لیسانس	ندارد	۰
۹	پسر	۱۷	ندارد	فوق لیسانس	ندارد	۱
۱۰	پسر	۱۴	ندارد	دکتری	ندارد	۱
۱۱	پسر	۱۶	ندارد	لیسانس	ندارد	۱
۱۲	پسر	۱۵	ندارد	دیپلم	ندارد	۱

جدول۲) شبکه مقولات به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
پدیده مرکزی سوگ	هیجانات ارتباطی معطوف به خود و والدین
	هیجانات فردی درگیر در زمان بحران و متأثر از عواقب بحران
	اختلال کنش‌های رفتاری
عوامل علی در سازگاری	ویژگی‌های روانی و ارزشی پایه و پیش رونده
	کیفیت‌های خانوادگی- ارتباطی
	سطوح ارزش‌ها
پیامدهای سوگ	پیامدهای مثبت و منفی هیجانی – رفتاری در بُعد فردی
	پیامدهای مثبت و منفی هیجانی-رفتاری در بعد اجتماعی
	پیامدهای ارتباطی والد- فرزندی
	پیامدهای نگرشی – ارزشی
عوامل میانجی‌گر سازگارانه	کیفیت‌های ارتباطی – خانوادگی
	پایگاه خانواده
راهبردهای موثر در سازگاری	راهبردهای شناختی، هیجانی، رفتاری

پدیده مرکزی سوگ

در پدیده مرکزی سوگ، هیجانات ارتباطی معطوف به خود، هیجانات ارتباطی معطوف به والدین، هیجانات فردی درگیر در زمان بحران، هیجانات فردی متأثر از عواقب بحران و اختلال کنش‌های رفتاری مطرح شد که مقوله‌های فرعی پدیده‌ی مرکزی سوگ هستند.

۱- هیجانات ارتباطی معطوف به خود و والدین

در فرایند طلاق، فرزندان در سیستم خانواده با توجه به روند مشاجرات و مراحل طلاق مجموعه هیجاناتی را تجربه می‌کنند. این هیجانات از یک سو متمرکز بر خودِ نوجوان است؛ احساسی که او نسبت به خود دارد و تصویری که از خود به عنوان یک فرزند طلاق در آینده تصور می‌کند می‌تواند بر مجموعه احساسات او از جمله تجربه هیجان خشم، غم، احساس گناه و شرمساری، احساس شکست و ... اثر گذار باشد؛ این مسئله از سوی دیگر در تعامل رفتاری نوجوان با والدینش نمود می‌یابد؛ همانطور که مصاحبه شونده شماره (۷) که در

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

راستای احساس گناه و شرمساری اظهار داشت: «پیش از طلاق، مادرم همیشه خطاب به من و برادرم می‌گفت من دارم این زندگی را بخاطر شما تحمل می‌کنم!».

۲- هیجانات فردی درگیر در زمان بحران و متأثر از عواقب بحران

احساسی که نوجوان نسبت به والدین خود دارد، حس انتقام به خاطر شرایط پیش آمده و سرزنش والدین یا بعضاً احساس همدلی و درک شرایط پیش آمده پیوستاری از احساسات مثبت و منفی را ایجاد می‌کند که می‌تواند هم در بعد درون فردی و هم بین فردی اثر گذار باشد. به عنوان مثال، مصاحبه شونده شماره (۶) اظهار داشت: « پدر مرد اول زندگی آدم است و وقتی رابطه عاطفی با او خراب می‌شود آدم نسبت به همه‌ی مردان دیگر بدبین می‌شود، من به هیچ مردی نمی‌توانم اعتماد کنم».

۳- اختلال کنش‌های رفتاری

تجربه هیجان خشم، غم، احساس گناه، احساس شکست می‌تواند به نوعی اختلال در سیستم رفتاری و خلقی نوجوان منجر شود. همانطور که مصاحبه شونده شماره (۸) گفت: « آن روزها بخصوص بعد از اینکه طلاق رسمی اتفاق افتاد من بیش از همیشه مضطرب می‌شدم و دستانم "گِزگِز" می‌کرد».

عوامل علی در سازگاری

ویژگی‌های روانی و ارزشی پایه و پیش رونده، کیفیت‌های خانوادگی-ارتباطی و سطوح ارزش‌ها به عنوان مقوله‌های فرعی حاصل شدند.

۱- ویژگی‌های روانی و ارزشی پایه و پیش رونده

به‌طور کلی آن دسته از نوجوان‌هایی که خود را برون‌گرا و منطقی تلقی می‌کردند کنترل بیشتر و مؤثرتری بر شرایط داشتند. آن‌ها اغلب در مورد آینده خوش‌بین و امیدوار بودند و درمورد اهداف خود دوراندیشی داشتند. این به خوبی خشم اولیه را از سر گذراندند و وارد مرحله همدلی شدند، شرکت‌کننده شماره (۴) در این باره گفت: «اوایل کمی خشمگین بودم اما بعد به این فکر کردم که کنار هم بودنشان هم باعث تنش و دعوا است و این موضوع به لحاظ روحی آسیب زیادی به همه‌ی ما می‌زند، پس چه بهتر که جدا شوند و همگی زندگی سالم‌تری را بسازیم».

۲- کیفیت‌های خانوادگی- ارتباطی

نوجوان‌هایی که والدینشان بعد از طلاق ارتباط دوستانه و خوبی با هم داشتند و با خانواده‌ی گسترده‌ی هر دو والد در ارتباط بودند هیجانات مثبتی را در این زمینه گزارش دادند، به‌طوری که شرکت‌کننده شماره (۲) گفت : «من و پدر مادرم هرجا که لازم بود مثل یک خانواده کامل باهم حضور داشتیم مثل جلساتی که در مدرسه برای اولیا تشکیل می‌شود یا با هم رستوران می‌رفتیم». برخی از نوجوانان نیز از لجبازی والدین شکایت داشتند، به‌طوری که مشارکت کننده شماره (۵) اظهار داشت: « ۷ سال است که پدرم را ندیدم، مادرم از او بدش می‌آید برای همین نمی‌گذارد او را ببینم».

۳- سطوح ارزش‌ها

عزت‌نفس خانوادگی یکی دیگر از ارزش‌های مهم برای نوجوانان بود، به گونه‌ای که خانواده‌ی جدید برای آینده برنامه‌ریزی مؤثری کند و درجهت اهداف بکوشد نه اینکه در پی این اتفاق تا سال‌ها بعد دنبال مقصر بگردد و به سرزنش اطرافیان بپردازد، برای مثال شرکت‌کننده شماره (۱۰) در این زمینه گفت: «من دوست ندارم مادرم مدام گذشته را هم بزند و آن گند را زیر و رو کند، باید بگذارد به زندگی جدیدمان برسیم و بر روی آن تمرکز کنیم».

پیامدهای سوگ

۱- پیامدهای مثبت و منفی هیجانی – رفتاری در بُعد فردی

در راستای مصاحبه‌های انجام‌شده دریافتیم که این تجربه برای بعضی نوجوانان نقطه عطف مثبتی در زندگی آنان به‌شمار می‌رود و تاب‌آوری بیشتری نسبت به امور پیدا کردند، اما برخی دیگر هیجاناتی همچون کاهش اعتماد به نفس، بدبینی، حساسیت‌پذیری بالا، خلق غمگین، رفتارهای پر خطر، انزواطلبی و مشکلات ثانویه تحصیلی را گزارش دادند. مشارکت کننده شماره ۱۰ در این زمینه گفت:« چندین بار تا حالا فکر خودکشی زده به سرم، انگار هیچ سهم از آرامش و رفاه توی این زندگی ندارم» و مشارکت کننده شماره ۴ که گفت :« بعد از اون اتفاق روی آوردم به سیگار و مشروب ».

۲- پیامدهای مثبت و منفی هیجانی-رفتاری در بعد اجتماعی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

حساسیت به عدالت و عدالت‌خواهی، دغدغه‌مندی اقتصادی و شغلی از موارد گزارش شده از سوی نوجوان‌هایی بود که به نحو مؤثری از سوگ ناشی از طلاق والدین گذر کردند، آن‌ها علاقه‌ی اجتماعی خود را پرورش داده بودند و نسبت به مشکلات دیگران دغدغه مند بودند.

مصاحبه شونده شماره ۲ در این زمینه گفت: «وقتی می‌دیدم کسی ناراحته نمی‌تونستم بی‌خیال باشم، پای صحبتای اون آدم می‌نشستم و تا حالش خوب نمی‌شد رهاش نمی‌کردم، شاید برای اینکه خودم دوست داشتم یکی اینطوری حواسش بهم باشه».

۳- پیامدهای ارتباطی والد- فرزندی

در جریان طلاق اکثر نوجوانان احساس قربانی بودن می‌کنند و گمان می‌کنند که در حقشان اجحاف شده است و گاهی با لجبازی و سرپیچی در عملکرد روزانه سعی در انتقام گرفتن از والدین دارند که والد سرپرست باید این موضوع را درک کرده و درمورد آنچه در بافت والد- فرزندی می‌گذرد و هیجاناتی که هر دو طرف تجربه می‌کنند باب گفتگو را باز کند. به عنوان مثال مصاحبه شونده شماره ۵ افزود: « وقتی اون برای من مادر خوبی نیست چرا من برای اون دختر خوبی باشم؟».

۲- پیامدهای نگرشی – ارزشی

یافته‌ها حاکی از آن است که برخی نوجوانان این نگرانی را دارند که در آینده، خانواده‌ی همسر، به دلیل بزرگ شدن این افراد در خانواده دارای تجربه طلاق، در زمینه پایبندی به زندگی زناشویی و پختگی روانی آن‌ها نگرش منفی پیدا کنند. به‌عنوان مثال مشارکت کننده شماره (۱) اظهار داشت: «از ازدواج کردن می‌ترسیدم، درمورد نگرش خانواده‌ی فردی که به خاستگاری‌ام می‌آیند نگران بودم، اینکه بگن پدر بالای سر این خانواده نبوده و این ها بی بند و بار بزرگ شدن».

عوامل میانجی‌گر سازگارانه

۱- کیفیت‌های ارتباطی- خانوادگی و پایگاه خانواده

نوجوان‌هایی که شرایط والدین و علت تصمیم آن‌ها به طلاق را درک کرده بودند، انطباق‌پذیری بیشتری داشته و سریع‌تر توانستند به سازگاری برسند. مشارکت کننده شماره ۸ در این زمینه گفت« والدینم در مورد تصمیمشون و اینکه چرا دیگه نمیتونن به زندگی مشترک ادامه بدن باهام صحبت کردن و خب قانع شدم و دیدم منطقی میگن برای همین بعدش از نظر روحی با مشکل خاصی مواجه نشدم».به علاوه گفتگوی والدین با خانواده گسترده برای تسهیل پذیرش و جلب حمایت از سوی آن‌ها می‌تواند در کاهش فشار روانی خانواده‌ی در آستانه طلاق، بالاخص فرزندان اثرگذار باشد. مشارکت کننده شماره ۷ افزود: « من با خانواده ی مامانم هنوز در ارتباطم و هر وقت مشکلی داشته باشم برای کمک کردن بهم آماده هستن».

۲- پایگاه خانواده

سطح تحصیلات والدین و وضعیت فرهنگی – اقتصادی خانواده در نحوه‌ی برقراری تعاملات و مدیریت شرایط تا حد زیادی اثرگذار است. همانطورکه مشارکت کننده شماره ۶ اظهار داشت: «بعد طلاق از لحاظ مالی به مشکل بر نخوردیم چون مادرم شاغل بود». به علاوه نگرش‌های اجتماعی نسبت به پدیده طلاق و گفتمانی که در سطح اجتماعی بین مردم رواج دارد میزان پذیرش رویداد طلاق و هیجانات تجربه شده از سوی نوجوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که برخی از نوجوانان به شدت با لفظ «بچه‌ی طلاق» مخالف بودند؛ مصاحبه شونده شماره ۱۲ در این زمینه گفت: « تو مدرسه یا تلویزیون، هرجا، وقتی این کلمه رو می‌شنوم خیلی بهم می‌ریزم، انگار که ما جزامی یا بی ادب و بی بند باریم».

راهبردهای مؤثر در سازگاری

راهبردهای شناختی، هیجانی، رفتاری و تقویت مؤلفه‌های فردی از مقوله‌های فرعی شناسایی در این بعد هستند که به پذیرش، گذر موفقیت آمیز و سازگاری با این نوع سوگ کمک می‌کنند.

۱- راهبردهای شناختی ،هیجانی، رفتاری

در حیطه‌ی شناختی واقع‌نگری و نگاه منطقی به رویداد طلاق از ویژگی‌های مهم آن دست از نوجوانانی بود که به نحو مؤثری با سوگ ناشی از طلاق والدینشان کنار آمدند. آن‌ها به گونه‌ای منطقی به تجزیه و تحلیل شرایط پرداخته و دلایلی را برای این اقدام والدین متصور می‌شدند. همانطور که مشارکت کننده شماره (۴) گفت : «توصیه‌ام به بچه‌های هم سن و سال خودم این است که خیلی برای خودشان قضیه را بزرگ نکنند و نشینند به این فکر کنند که چه چیزهایی ندارند، بلکه به این فکر کنند که چه چیزهایی دارند و این شرایط از چه جهاتی برایشان بهتر شده!».

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

در حیطه‌ی رفتاری نیز مؤلفه‌هایی همچون سفر کردن، مطالعه‌ی کتب درسی و غیر درسی، تخلیه هیجانی به وسیله نگارش، اشتغال به کار و استفاده‌ی مفید از فضای مجازی مانند حفظ ارتباط با دوستان و دریافت خدمات روان شناختی از جمله راهبردهای مؤثر نوجوانان در گذر از این سوگ بود، به‌عنوان مثال مشارکت کننده شماره (۳) در این زمینه گفت: « من زمان ناراحتی همه چیز را می‌نوشتم... چون اینطوری انگار یک کسی هست که دقیقا میداند چه حسی داری و چه چیزی از ذهنت می‌گذرد». شرکت‌کننده شماره (۴) نیز اظهار داشت: «اگر والدینم کمی به فکر بودند و قبل و بعد طلاقشون مرا پیش مشاور می‌بردند الان اوضاع بهتری داشتم».

در حیطه هیجانی نیز نوجوانان موفق اغلب اعتقاد داشتند شخصی که در گذر از این بحران است، هیجانات را در خودش نریزد و با فردی معتمد صحبت کند. به علاوه آن‌ها معتقد بودند که پذیرش اولیه مرحله‌ای مهم در سازگاری مؤثر با این تجربه است، همانطور که شرکت‌کننده شماره (۷) در این زمینه گفت : «باید بپذیری، نه اینکه حتی فراموش کنی یا کنار بیایی، فقط باید حقیقتا بپذیری که این اتفاق افتاده و این حقیقتی است که وجود دارد و با قوی و پر انگیزه بودن مغلوب تأثیرات منفی آن نشوی و زندگی خودت را در راستای اهداف و علایقت بسازی!».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی راهبردهای اثربخش نوجوانان در برخورد با سوگ ناشی از طلاق والدین بود؛ که به استخراج مضامین اصلی در قالب پدیده مرکزی سوگ، عوامل علی در سازگاری، پیامدهای سوگ، عوامل میانجی‌گر سازگارانه و راهبردهای مؤثر در سازگاری انجامید. در پدیده مرکزی سوگ، هیجانات ارتباطی معطوف به خود، هیجانات ارتباطی معطوف به والدین، هیجانات فردی درگیر در زمان بحران، هیجانات فردی متأثر از عواقب بحران و اختلال کنش‌های رفتاری مطرح شد که مؤلفه‌هایی همچون تجربه‌ی استرس، بدبینی نسبت به جنس مخالف و افزایش مسئولیت پذیری با پژوهش عیوض خانی و همکاران (۱۴۰۰) در مورد تجربه نوجوانان از طلاق والدین که دریافتند نوجوانان در پی این رویداد افزایش مسئولیت به‌ویژه مراقبت از نیازهای عاطفی والدین را تجربه می‌کنند و آشفتگی‌های عاطفی فرد در روابط صمیمانه با جنس مخالف در آینده اثرگذار است، همسو می‌باشد.

در زمینه عوامل علی در سازگاری، ویژگی‌های روانی و ارزشی پایه و پیش رونده، کیفیت‌های خانوادگی-ارتباطی و سطوح ارزش‌ها به عنوان مقوله‌های فرعی حاصل شدند. در این بخش مؤلفه‌ی ارتباط با خانواده گسترده و دریافت حمایت از سوی آن‌ها از عوامل علی موثر در کاهش فشار روانی و حل و فصل موفقیت آمیز این نوع سوگ بود که با پژوهش شوارتز و تامسون[1] (۲۰۱۷) در مورد ارتباط با خانواده گسترده بالاخص ارتباط با مادربزرگ و پدربزرگ و تاثیرات آن همسو می‌باشد.

در زمینه پیامدهای سوگ، پیامدهای مثبت و منفی هیجانی – رفتاری در بُعد فردی، پیامدهای مثبت و منفی هیجانی – رفتاری در بُعد اجتماعی، پیامدهای ارتباطی والد- فرزندی و پیامدهای نگرشی- ارزشی نتیجه شد. در راستای مصاحبه‌های انجام‌شده دریافتیم که این تجربه برای بعضی نوجوانان نقطه عطف مثبتی در زندگی آنان به‌شمار می‌رود، به گونه‌ای که پس از طلاق صفات مثبت‌تری در آن‌ها نمایان شده و برای برخی دیگر هیجاناتی همچون کاهش اعتماد به نفس، بدبینی، حساسیت‌پذیری بالا، خلق غمگین، رفتارهای پر خطر همچون گرایش به خودکشی و مصرف دخانیات و انزواطلبی را همراه داشته است. که بروز رفتارهای پرخطر در قالب گرایش به خودکشی و مصرف دخانیات با یافته‌های پژوهش فراشاه و قیطرانی (۱۳۹۶) درمورد میزان گرایش به خودکشی و آسیب‌پذیری اجتماعی در نوجوانان خانواده‌های طلاق و غیر طلاق، همسو می باشد.

در زمینه عوامل میانجی‌گر سازگارانه کیفیت‌های ارتباطی- خانوادگی و پایگاه خانواده به عنوان مقوله‌های فرعی در این بخش شناسایی شد. نوجوان‌هایی که از تعاملات سالم و کارآمد در شبکه خانواده برخودار بودند والدین‌شان از مهارت گفتگوی بیشتری برخودار بوده که به تسهیل پذیرش رویداد از سوی نوجوان کمک می‌کرد. نوجوانانی که شرایط والدین و علت تصمیم آن‌ها به طلاق را درک کردند، انطباق‌پذیری بیشتری داشته و سریع‌تر توانستند به سازگاری برسند، آن‌ها معتقد بودند که ارائه‌ی دلایل محکم و منطقی از طرف والدین برای تصمیم‌شان و داشتن برنامه‌ای هدفمند و روشن برای آینده از سردرگمی آن‌ها بسیار کاسته و انسجام روحی و فکری بیشتری را برای فرزند به همراه

1. Schwartz & Thomson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

دارد. یافته‌های این بخش با پژوهش گرجین‌پور، علی‌پور و عبدی (۱۳۹۹) درمورد افزایش تعاملات بین فردی و رابطه آن با حرمت به خود و افزایش انعطاف پذیری شناختی نوجوانان در زمینه پذیرش طلاق والدین همسو می باشد.

در حوزه راهبردهای اثربخش یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در اولین بُعد، مؤلفه‌های شناختی همچون عقلانی‌سازی، انعطاف‌پذیری شناختی به گذر از این مرحله کمک می‌کند. در جریان مصاحبه به این مهم دست یافتیم نوجوان‌هایی که با دید مثبت‌تری به این تجربه می‌نگریستند تعابیر منطقی‌تری از جوانب مثبت و منفی این تجربه داشتند و لحاظ شناختی انعطاف پذیر بودند؛ این یافته‌ها با پژوهش قبادی و شهبازی (۱۳۹۸) که به بررسی رابطه آموزش مثبت نگری و سطح اضطراب و افسردگی دانش آموزان پرداخته بودند و مطالعه‌ی سورک (۲۰۱۹) درمورد ادراکات مثبت و منفی نوجوانان نسبت به پدیده طلاق، همسو می‌باشد. همچنین در حیطه‌ی هیجانی یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که تخلیه هیجانی، پذیرش، انطباق‌پذیری و کسب آمادگی روانی برای طلاق والدین در تسهیل پذیرش این رویداد و حل و فصل موفقیت آمیز این نوع سوگ مؤثراند. پژوهش گرجین‌پور، علی‌پور و عبدی (۱۳۹۹) درمورد رابطه تعاملات بین فردی با میزان حرمت به خود و انعطاف پذیری شناختی- هیجانی با مؤلفه‌ی تخلیه‌ی هیجانی در قالب تعاملات بین فردی تا حد زیادی همسو می‌باشد. در حیطه رفتاری نیز؛ در دسترس بودن والدین، دریافت حمایت اجتماعی، حفظ تمایزیافتگی و عدم آمیختگی در ماجرای طلاق، فعال‌سازی رفتاری (فعالیت‌های بدنی)، برنامه‌ریزی برای اوقات، مسئولیت‌پذیری و دریافت خدمات روانشناختی از جمله راهبردهای رفتاری موثر می‌باشند. پژوهش شوارتز و تامسون[1] (۲۰۱۷) که به بررسی رابطه فرزندان با خانواده گسترده و دریافت حمایت اجتماعی می‌پردازد با یافته‌های بدست آمده در این بخش هم راستا می‌باشد.

درنهایت پیشنهاد می‌شود این پژوهش در محیط‌های متفاوت با فرهنگ‌های متفاوت تکرار شود و در صورت مشابه بودن یافته‌ها می‌توان با استفاده از آن‌ها اقدامات عملی برای نوجوانان صورت گیرد. به علاوه پیشنهاد می‌شود با نوجوانانی که والدینشان تجربه ازدواج مجدد دارند یا والدین از تحصیلات دانشگاهی یا استقلال مالی برخوردار نیستند نیز این مصاحبه تکرار شود تا در نهایت بتوانیم با شناخت بیشتر ابعاد مختلف سازگاری در این گروه سنی، در خدمات یاری رسانی عملکرد مؤثرتری داشته باشیم.

منابع

اسماعیلی قاضی ولویی، ف.، جمالی، ع. (۱۳۹۷). اثربخشی معنویت درمان با رویکرد اسلامی بر شادکامی و رضایت از زندگی فرزندان طلاق، *دوازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت*، تهران.

بهبهانی، م.، ذوالفقاری، م. (۱۴۰۰). اثربخشی زوج درمانی راه‌حل محور بر انعطاف‌پذیری شناختی زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی*. ۲۷-۱۷، (۱)۳.

حسن کمالی، ع. (۱۴۰۰). چگونه توانستم مشکل عدم اعتماد به نفس دانش‌آموز طلاق (علی‌اصغر) را با راهکار مناسب افزایش دهم؟، *همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم*، میناب.

رضایی، ز. (۱۴۰۰). شناسایی تأثیر خودکارآمدی اجتماعی و هیجانی بر میزان قلدری سنتی و سایبری در فرزندان طلاق شهر اصفهان، *اولین کنفرانس بین‌المللی علوم‌تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی*.

صالحی ادیب، م.، سعدآبادی مطلق، ف. (۱۴۰۰). بررسی رابطه اثرات طولانی‌مدت جدایی والدین در دوران کودکی با ازدواج و طلاق فرزندان در بزرگسالی، *اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی*.

عیوض‌خانی، ز.، سهرابی ملایوسف، ا.؛ جعفری کلیبر، ف. (۱۴۰۰). مشکلات عاطفی، اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان تک والد طلاق در مدارس از دیدگاه دبیران دوره اول متوسطه، *هفتمین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری علوم‌تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران*، تهران.

عزیزی، ج. (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر حسن خلق بر استحکام خانواده، *نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران.

فرجی، ن. (۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، انتشارات پوران پژوهش، تهران، چاپ یازدهم.

قبادی داوود، ر، شهبازی، گ. (۱۳۹۸). اثر بخشی آموزش مثبت‌نگری بر حالت‌های روانشناختی مثبت و تاب‌آوری در نوجوانان پسر شهر شهریار، *نخستین کنگره ایرانی روانشناسی مثبت*، تهران.

1. Schwartz & Thomson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]

کریمی، م.، محمدی، ص.، غضنفری، م.، علی‌کرمی، م. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر طلاق والدین بر تحصیل و تربیت دانش‌آموزان، *اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی*.

گرجین‌پور، ف.، علی‌پور، غ.، جلوه، م.، عبدی، م. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر حرمت خود و انعطاف‌پذیری کنشی نوجوانان طلاق. *فصلنامه خانواده درمانی کاربردی*. دوره اول، شماره ۲.

محمدی‌منش، ا.، بخش سورشجانی، ل. (۱۳۹۹)، مقایسه‌ی هویت‌یابی و مهارت اجتماعی نوجوانان با آسیب‌های اجتماعی و عادی شهرستان بهبهان، *ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت*.

محمودپور، ع.، شیری، ط.، فرحبخش، ک.، ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۹). پیش بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجی گری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، دوره ۱۱، شماره ۴۲. صفحه ۱۴۱-۱۲۱.

نوری، ن.، طهماسبی، ش. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت ابراز وجود بر عزت‌نفس نوجوانان طلاق شهر کرمان، *دومین همایش ملی روانشناسی و سلامت با محوریت سبک زندگی*، شیراز.

وحیدی فراشاه، م.، محبوب، ص.، قیطرانی، س. (۱۳۹۶)، مقایسه میزان گرایش به خودکشی و آسیب‌پذیری نسبت به سوء مصرف موادمخدر در نوجوانان خانواده‌های طلاق و عادی، *اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی*.

وردن، و. (۱۳۹۴). *مشاوره و درمان سوگ*. ترجمه فیروزبخت، مهرداد، بیگی، خشایار. نشر : ابجد.

هاشمی، ز (۱۳۹۹). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر افسردگی دانش‌آموزان پسر دارای والدین بامشکل طلاق عاطفی، *اولین همایش ملی روانشناسی بالینی کودک و نوجوان*، اردبیل.

Bastaits, K., Pasteels, I., Mortelmans, D. (2018). How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being ?, *Journal of Adolescence*, Volume 64,Pages 98-108.

Crespin-Boucaud, J., Hotte, R. (2021). Parental divorces and children's educational outcomes in Senegal, *World Development*, Volume 145.

Gardner, A., Melanie J., Zimmer, G., Ellen A., Skinner,B. (2021).Coping Skills,Reference Module in Biomedical Sciences,Elsevier.

Glaser, B G., Strauss, A, L. (1967), *The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research*. Pages 79-81.

Lan, X. (2021). Disengaged and highly harsh? Perceived parenting profiles, narcissism, and loneliness among adolescents from divorced families, Personality and Individual Differences, Volume 171.

Onarheim, I., Astrid, J,. Litland, S., Hallstrom, IK. (2018).Living in Two Worlds – Children's Experiences After Their Parents' Divorce – A Qualitative Study,*Journal of Pediatric Nursing*,Volume 43,Pages e44-e51.

Parker, G., Kristina, M., Durante, S., Hill, E., Haselton, G. (2021). Why Women Choose Divorce: An Evolutionary Perspective, *Current Opinion in Psychology*.

Schwartz Sh,. Thomson, E. (2017). Adolescents' closeness to paternal grandmothers in the face of parents' divorce. *Children and Youth Services Review*. Pages 118-126.

Strauss, Anselm L., & Corbin, J. (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques, Sage. 134-152.*

Strauss, A, L. (1987), *Qualitative Analysis for Social Scientists, Cambridge, England*: Cambridge University Press.

Sorek, Y. (2020). Grandparental and overall social support as resilience factors in coping with parental conflict among children of divorce, *Children and Youth Services Review*,Volume 118.

Sorek, Y. (2019).Children of divorce evaluate their quality of life: The moderating effect of psychological processes,*Children and Youth Services Review*,Volume 107.

Van Winkle, Z., Leopold, Th. (2021). Family size and economic wellbeing following divorce: The United States in comparative perspective, *Social Science Research*, Volume 96.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.4.1.4]